

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 4, Summer 2021, 113-133
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.33143.1997

A Critique on the Book "*Household Economics*"

Leila Sadat Zafaranchi*

Abstract

From long ago, economics has considered the family issue, but the science of "family economics" in the current economic literature is a serious new branch. Studies show the limited and a few attentions of Iranian researchers to this economic branch. The book "*Household Economics*" is one of the few works that has tried to provide basic explanations of common concepts in family economics, in order to provide an introduction to access to richer fields based on religious and national concepts. This article, respecting this valuable target and understanding the need for such rich writings in this field, has tried to review the book "*Household Economics*". The article is organized in five sections and meanwhile introducing the book briefly, some formal objections and writing principles are pointed out. In the content criticism, the following issues are mentioned: Lack of the necessary comprehensiveness of the work based on the theoretical literature, ignoring the main target society of the book by the authors as well as the indiscriminate use of multiple sources and translations. In general, the book lacks the power of effective analysis and presentation of the specific offer. Since the purpose of reviewing this book in this article is to evaluate the book's competence for its educational status in interdisciplinary studies, the present book seems to be far from achieving this goal.

Keywords: Household Economy, Historical Background, Unitary Model (UM), Collective Model (CM)

* Assistant Professor in Economics, The Institute of Humanities and Cultural Studies, Iran, Tehran,
Lszafaranchi@gmail.com

Date received: 02/11/2020, Date of acceptance: 09/05/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماهنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیست‌ویکم، شماره چهارم، تیر ۱۴۰۰، ۱۱۵ - ۱۳۳

نقدی بر کتاب اقتصاد خانوار

لیلا سادات زعفرانچی*

چکیده

توجه به خانواده در علم اقتصاد دیرینه است، اما گرایش «اقتصاد خانواده» در ادبیات رایج اقتصادی شاخه‌ای جدی و جدید به شمار می‌رود. بررسی‌ها نشانگر توجه محدود و معدود محققان ایرانی به این گرایش اقتصادی است. کتاب «اقتصاد خانوار» از جمله معدود آثاری است که کوشیده تا با تبیین اولیه‌ای از مفاهیم رایج در «اقتصاد خانواده»، مقدمه‌ای را در دسترسی به زمینه‌هایی غنی‌تر و مبتنی بر مفاهیم دینی و ملی فراهم نماید. در مقاله حاضر ضمن احترام به این هدف پر ارزش و درک نیاز به مکتوبات غنی در این زمینه، تلاش شده تا کتاب «اقتصاد خانوار» مورد نقد قرار گیرد. مقاله در پنج بخش تدوین شده و ضمن معرفی اجمالی کتاب، به برخی ایرادات نگارشی اشاره شده است. در نقد محتوایی، فقدان جامعیت لازم اثر بر اساس ادبیات نظری، عدم هدف‌گذاری مخاطبین اصلی کتاب توسط مولفین و نیز استفاده بدون ضابطه از منابع متعدد و ترجمه شده از محورهای ذکر شده است. در مجموع کتاب فاقد قدرت نقد موثر و ارائه پیشنهاد مشخص در هر فصل است. از آنجا که در این مقاله یکی از اهداف بررسی این اثر، ارزیابی صلاحیت کتاب به جهت جایگاه آموزشی آن در مطالعاتی بین رشته‌ای بوده است، به نظر می‌رسد کتاب حاضر تا دسترسی به این مطلوب فاصله دارد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد خانوار، پیشینه تاریخی، الگوی واحد (UM)، الگوی جمعی (CM).

* استادیار اقتصاد، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

Lszafaranchi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱. مقدمه

فلسفه‌ی وجودی خانواده به طبیعت باز می‌گردد. شاید بر همین اساس است که بسیاری از ویژگی‌های خانواده در طول تاریخ پابرجا باقی مانده است. ارسطو (Aristotle) معتقد بود که اصولاً باید واحدی از افراد وجود داشته باشد که نمی‌توانند بدون یکدیگر زیست کنند (یعنی زن و مرد)، تا بقاء نسل ادامه یابد و این واحد نه به منظور دسترسی به یک هدف تعمدی، بلکه شاید بیش از همه به جهت تداوم نسل بشر و جایگذاری تصویری از خود باقی مانده است (عنایت، ۱۳۴۹: ۳). توجه اولیه به خانواده از نظر اقتصادی دیرپا است و به پیشگامان اقتصادی از جمله آدام اسمیت (Adam Smith) باز می‌گردد. اسمیت در کتاب ثروت ملل (The Wealth of Nations) در ذیل فصل دستمزد به اهمیت خانواده چنین اشاره می‌نماید: «یک مرد همیشه باید با کارش زندگی کند و دستمزدش حداقل برای تأمین وی کافی باشد، حتی در مواقعی بیش از این حد باشد، چرا که در غیر این صورت ایجاد خانواده و بقاء نسل برای چنین نیروی کاری نمی‌تواند فراتر از نسل قبل، ادامه یابد.» (ابراهیم-زاده، ۱۳۵۷: ۵۹). در ادامه اندیشه‌ورزی اقتصادی در حوزه‌ی خانواده، در ابتدا تمرکز بیشتر بر جنبه‌های جمعیتی و کنترل زادوولد بود (Cantillon, 1730; Smith, 1776; Malthus, 1798). برونینگ و دیگران (Browning et al, 2014) معتقدند که در این سیر تاریخی، اقتصاددانان بعدی از جمله میل (Mill, 1848) و له‌پلای (Le play, 1855) توجه بیشتری به تأثیر خانواده بر استاندارد زندگی اعضاء و توزیع مجدد منابع در خانوار داشته‌اند. مسئله مهم در آن مقطع تاریخی توجه به تخصیص ارث بود که می‌توانست انگیزه مهمی در اقتصاد قلمداد شود. در قرن نوزده و بیست، جهان شاهد تحولات گسترده و عمیقی در خانواده و تغییر نقش اعضاء این واحد کوچک اجتماعی بود. تغییرات تکنولوژی، ارتقاء سطح دانش بشر، بهبود وضعیت سلامت و بهداشت و بسیاری دیگر از تغییرات زیست انسانی، خانواده را دچار تحولات بنیادین نمود. تغییر در نرخ ازدواج، افزایش سنین ازدواج، تحولات باروری به سمت کاهش نرخ زاد و ولد، افزایش پرشمار زنان متأهل در بازار کار به همراه تغییر در سبک زندگی، الگوی سنتی خانواده را در جهان تغییر داد (Greenwood, 2019). در همین راستا اقتصاد در دهه ۱۹۶۰ میلادی شاهد زایش گرایش مهمی تحت عنوان «اقتصاد خانواده جدید» (New home economic) و توسعه شاخه‌های آن شد.

گرچه ساموئلسون (Samuelson, 1956) با فرض اجماع خانواده در بحث منحنی‌های بی‌تفاوتی به این حوزه قبلاً ورود کرده بود، اما به اذعان اکثر تحلیل‌گران، مکتب اقتصاد

خانواده جدید توسط گری بکر (Gary Becker) و ژاکوب مینسر (Jacob Mincer) پایه‌گذاری شد. متخصصین حوزه اقتصاد و خانواده معتقدند که کار افسانه‌ای بکر و مینسر (۱۹۵۸-۱۹۷۰) در پژوهش‌های انجام شده در دانشگاه کلمبیا، بنیان‌های اولیه‌ی علم اقتصاد خانواده را پایه‌گذاری نموده و تا قبل از آن خانواده و اعضای آن در اقتصاد تحلیلی در سایه بودند (Browning et al, 2014:4). به نظر می‌رسد که خاستگاه اصلی نظریه‌پردازی اقتصاد خانوار، جهان صنعتی و توسعه‌یافته است، لیکن بررسی‌ها نشان می‌دهند که اهتمام محافل علمی در جهان به این شاخه‌ی پرارزش اقتصادی درخور توجه است و حال آنکه توجه محققان ایرانی به این ادبیات پراهمیت کم‌رنگ و بعضاً کم‌عمق می‌باشد. تألیف کتاب «اقتصاد خانوار» را می‌توان اقدامی جسورانه و نقطه عطفی جهت اهتمام متفکران اقتصادی به این عرصه در ابعاد ملی محسوب نمود. اهتمام نویسندگان محترم به این امر که اثر حاضر می‌تواند تنها مقدمه‌ای بر گستره ادبیات «اقتصاد خانواده» به شمار رود و نمی‌توان آن را تبیین‌کننده کلّ این عرصه دانست، وسعت بحث و تنوع موضوعی حوزه مطالعاتی را نشان می‌دهد. هدف قابل تقدیر نویسندگان در ارائه فضای مقدماتی «اقتصاد خانواده»، که از جنبه ملی دارای فقر مطالعاتی است و نیز ایجاد بسترسازی جهت ورود به حوزه‌های تکمیلی آن مبتنی بر بایسته‌های دینی و ملی، امتیاز ارزنده این اثر به شمار می‌رود. از سویی دیگر افزایش کمی و نیازمندی درخور توجه پژوهش‌ها و رشته‌های آموزشی دانشگاهی با مضامینی بین رشته‌ای نیز بر ضرورت ارائه مفاهیم پایه و اولیه‌ی «اقتصاد خانواده» افزوده و ضرورت تدوین مکتوباتی درخور در ابعاد ملی در این زمینه دانشی قابل توجه است. بی‌شک نظر به اهمیت خانواده در نظام جمهوری اسلامی ایران از جمله توجه مستقیم قانون اساسی کشور به آن (اصل ۱۰، ۲۰ و ۲۱)، تبیین درست نظریه‌های موجود و استخراج مولفه‌هایی از آن در سنخیت با ارزشهای ملی و دینی در کشور الزامی است. مقاله پیش‌رو تلاش می‌کند تا ضمن احترام و التزام به ارزشمندی کتاب «اقتصاد خانوار» و در راستای هدف مولفین محترم، ضمن ارزیابی اثر حاضر دسترسی به بسترسازی مناسبی با هدف بنیانگذاری نظریه‌پردازی اقتصادی خانوار را با تمرکز بر خصوصیات ملی هموار سازد.

۲. معرفی کلی اثر

۱,۲ معرفی اجمالی اثر و نویسندگان

کتاب «اقتصاد خانوار» در چاپ اول در ۱۰۰۰ نسخه، در سال ۱۳۹۶ توسط انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و در ۲۹۰ صفحه با قیمت ۱۵۰,۰۰۰ ریال به بازار عرضه شده است. هدف از نگارش کتاب بر اساس آنچه مولفین در پیشگفتار (صفحه ۱۷) آورده‌اند، مقدمه‌ای بر «اقتصاد خانوار» در محدوده‌ی اقتصاد ایرانی و اقتصاد اسلامی بوده است. آقایان دکتر علی استاجی و دکتر خلیل نوروزی مولفین محترم کتابند. دکتر استاجی دانش‌آموخته اقتصاد در مقطع دکترا و دکتر نوروزی دانش‌آموخته‌ی سیاست‌گذاری علم و فناوری در مقطع دکترا بوده و هر دو از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده‌اند. هر دو نویسنده از فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام صادق (ع) در مقطع کارشناسی ارشد بوده و علاوه بر این اثر، کتاب «روند پژوهی و سیاست پژوهی مطالعات علم اقتصاد در ایران» نیز از آثار مشترک انتشار یافته از این دو نویسنده در سال ۱۳۹۷ است. دکتر استاجی پایان‌نامه‌ای مرتبط با «اقتصاد خانواده» در مقطع کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر عادل پیغامی در رشته تحصیلی معارف اسلامی و اقتصاد را دارا است، لیکن سایر مقالات در دسترس از ایشان بیشتر ناظر بر ابعاد فناوری و اقتصاد است. دکتر خلیل نوروزی دارای بیش از ۱۹ مقاله‌ی علمی قابل رصد در پایگاه مجلات تخصصی است که مروری بر عناوین مطالعاتی نشان می‌دهد که محوریت تحقیقاتی در مقالات ناظر بر «اقتصاد خانوار» نیست. در بخش ابتدایی، اثر شامل یادداشتی از دکتر عادل پیغامی - دانش‌آموخته حوزه و دانشگاه و عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق (ع)-، با عنوان «درآمدی بر ادبیات اقتصاد خانوار و تبیین گسترده‌ی بحث ادبیات اقتصاد خانواده» است. بررسی مطالعات و فعالیت‌های پژوهشی دکتر پیغامی نشان از علاقه‌مندی و توجه ایشان به حوزه «اقتصاد خانوار» و موضوع شناسی در محورهای اصلی این شاخه از علم اقتصاد است.

۲,۲ ساختار اثر

قبل از ورود اثر به فصول اصلی، بخش مقدماتی کتاب حاوی فهرست مطالب، سخن ناشر، پیشگفتار، مقدمه‌ای از دکتر عادل پیغامی و مقدمه مولفان است. اثر مشتمل بر هفت فصل اصلی است و هر فصل در ابتدا با بخش کلیات آغاز و در انتها با جمع‌بندی خاتمه می‌یابد.

در فصل اول با عنوان «تخصیص‌های درون خانواری منابع»، ابتدا تخصیص منابع خانوار در حوزه‌ی مصرف در دو زیرفصل «سبد و بردار مصرفی خانواده» و «تخصیص منابع بین خانوار در مصارف، مخارج و سرمایه‌گذاری» تحلیل شده است. در ادامه‌ی فصل اول، «سازماندهی اقتصادی خانواده» در زیربخش‌های نظام تصمیم‌گیری در سازمان خانواده، هزینه فرصت و حوزه تولید در خانواده تبیین گردیده است.

در فصل دوم با عنوان «تخصیص‌های بینا خانواری»، دو الگوی اصلی «رویکرد نوع دوستی» و «رویکرد هزینه معامله» مورد اشاره قرار گرفته و در ذیل هر یک به تقسیم‌بندی موضوعی پرداخته شده است.

فصل سوم کتاب با عنوان «اقتصاد خانواده در افق بین زمانی و بین نسلی» به ارتباط نسل‌ها در حوزه اقتصاد خانوار و تعامل آنان در بازه زمانی زندگی و پس از فوت اشاره دارد. در این فصل چهار زیرعنوان: پس‌انداز، انتقال‌های درون خانواری: علل و ریشه‌ها، صندوق بازنشستگی و تحلیل شکاف‌های بین نسلی مورد بررسی قرار گرفته است. کتاب در فصل چهارم، با عنوان «اقتصاد بخش عمومی و خانواده»، مباحث مرتبط با برقراری اصل کارایی پرتودر خانوار، رویکردهای سنتی و مدرن به چرخه‌های زندگی را دربر می‌گیرد. در بخش دیگر این فصل با تمرکز بر اقتصاد و رفاه خانوار، حوزه‌ی مالیات‌ستانی و اعطاء یارانه به خانوار و منافع اجتماعی و قیمت‌های سایه‌ای مورد دقت نظر مولفین قرار گرفته است.

در فصل پنجم با عنوان «اقتصاد حمایت از خانواده» به قانون حمایت از مصرف‌کننده و نیز قوانین کار با زیر بخش‌های سیزده گانه اشاره شده و با اقتصاد حمایت از خانواده‌های ویژه و با تمرکز بر زنان سرپرست خانوار پایان می‌یابد.

«اقتصاد میان‌سال‌ی و کهن‌سال‌ی» در فصل ششم مورد توجه قرار گرفته است. کاهش سهم کهن‌سالان در بازار کار و عوامل آن، افزایش سطح ثروت در دوران کهن‌سال‌ی، تغییر الگوی مصرف و افزایش پس‌انداز و در نهایت تأثیر قابل توجه پرداخت‌های سازمان تأمین اجتماعی بر اساس تجارب کشور آمریکا در سال ۱۹۹۷ از جمله موارد مطرح در این فصل است. فصل پایانی کتاب با عنوان «اقتصاد ازدواج و تشکیل زندگی مشترک» به تحلیل‌های اقتصادی موجود پیرامون ازدواج، طلاق و نیز مباحث زادوولد پرداخته و سیاست‌های جمعیتی در کشورهای منتخب، محور پایانی این فصل را تشکیل می‌دهد.

۳. نقد شکلی اثر

۱,۳ جامعیت صوری

از آنجا که یکی از اهداف نقد ویژه کتاب از طرف ناقد، بررسی و ارزیابی صلاحیت کتاب به عنوان مرجعی آموزشی جهت بهره‌برداری در آموزش‌هایی بین رشته‌ای از جمله رشته مطالعات زنان و خانواده بوده است، لذا در مقاله حاضر به مولفه‌های چهارده‌گانه جامعیت صوری اثر که بعضاً به صورت خاص از کتب درسی انتظار می‌رود، پرداخته می‌شود. کتاب دارای آراستگی ظاهری و مرتبط با رویکردی علمی درحوزه «اقتصاد خانوار» است. کتاب پس از فهرست مطالب، شامل فهرست جداول و شکل‌های متنی است و پس از بیان سخن ناشر وارد پیشگفتار می‌شود. پیش از مقدمه مولفان، اثر به مقدمه‌ای از دکتر عادل پیغامی آراسته شده که در شناسه افزوده کتاب نیز تحت عنوان مقدمه‌نویس ذکر شده است. فصول هفتگانه‌ی کتاب هر یک با کلیات آغاز و با جمع‌بندی خاتمه می‌یابد و کتاب در انتها با جمع‌بندی نهایی، منابع و نمایه پایان یافته است. آنچه درخور تأمل است اختصاص حجم بالایی از مباحث مقدماتی (حدود ۴۵ صفحه از ۲۹۰ صفحه‌ی کتاب) پیش از ورود به فصول اصلی اثر است. هر فصل دارای تقسیم‌بندی جزئی است که معمولاً باعث گسست پی‌درپی مطالب شده است. اگرچه فصول با جمع‌بندی نهایی به اتمام می‌رسد اما هر فصل فاقد نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها، مشخص و البته فاقد ارائه منابع بطور مستقل است. کتاب از منظر کیفیت چاپ و وجوه فنی درخور تقدیر است. طرح روی جلد، حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی و نیز قطع اثر همچنان است که از یک نشر دانشگاهی انتظار می‌رود.

۲,۳ نگارش و ویرایش اثر

اگرچه کتاب چندان دارای غلط چاپی و املائی مشهودی نیست، اما از مهم‌ترین مشکلات نگارشی آن تکرار برخی مطالب و پاراگراف‌ها در صفحات مختلف است که البته تکرار عبارات در فصول ابتدایی کتاب مشهودتر است. به طور مثال، عبارت: «بهرمن در «مدل ثروت» خود معتقد است که بهترین سرمایه‌گذاری برای فرزندان ... مبادرت می‌کند.» در صفحات ۵ و ۷. عبارت: «نوع دوستی، اختلاف و تضاد در هر خانواده وجود دارد و نمی‌توان تنها با نگاه تصمیم‌گیری واحد به خانواده نظر کرد.» در صفحات ۵۶ و ۵۷. عبارت: «در نتیجه در دهه‌ی ۱۹۹۰ مدل جدیدی به نام مدل جمعی در تصمیم‌گیری مطرح شد.» در

نقدی بر کتاب *اقتصاد خانوار* (لیلا سادات زعفرانچی) ۱۲۱

صفحات ۵۶ و ۵۷. عبارت: «در این نظریه خانواده دارای دو عضو، نیکوکار و گیرنده است. گیرنده کاملاً خودخواه بوده و ... به گیرنده افزایش دهد.» در صفحات ۵۲ و ۵۸. عبارت: «در ثروت، والدین برای حداکثر نمودن بازگشت سرمایه ...، این گونه مدل‌ها اهمیت برابری نام گرفته است.» صفحات ۵۰ و ۷۰ و عبارت: «در این صورت هرگاه میزان دستمزد واقعی در بازار کاهش یابد، ... زمان کمتری برای مصرف تلف خواهد شد.» در صفحات ۷۹، ۸۰، ۸۱ و ۸۲.

علاوه بر این در زمینه‌ی قواعد نگارشی، برخی از جملات نامفهوم است. به طور مثال، عبارت: «علاوه بر دولت‌ها، افراد تأمین‌کننده درآمد خانواده چه مادر باشد چه پدر، ... و از این گذر نه تنها به کمک مالی فرزندان کم تجربه و پس‌انداز خود نیاز نداشته باشد، بلکه در مواردی با تأمین نیاز آن‌ها علاوه بر نیاز خانواده دو نفره خود داشته باشد.» در صفحه ۱۱۷. عبارت: «اگرچه سیستم‌های بازنشستگی از سال‌ها پیش در کشورها وجود داشته و به زمان خاصی منحصر نکرده‌اند اما ... که باید به زمان خاصی منحصر نشده‌اند تبدیل شود.» در صفحه ۱۱۹. عبارت:

برای نزدیک شدن به میزان بهینه مالیات، دو دسته نظریه مالیات خطی و غیرخطی که ابتدا به ترتیب توسط ... ارائه و مدل‌سازی شد، که در آن‌ها مطلوبیت فرد را با توجه به نوع تخصیص بهینه زمان توسط وی میان کار و استراحت (که از دستمزد خالص او نشأت می‌گیرد) به دست می‌آوریم

در صفحه ۱۹۱ و یا عبارت: «زوج‌ها در زمان مصرف و یا پس‌انداز امید به زندگی را از امید به زندگی هر دو نفر در نظر می‌گیرند و ...» در صفحه ۱۹۲. نامفهوم بودن برخی از جملات می‌تواند به دلیل استفاده متنوع و بیش از حد از منابع لاتین (بیش از ۳۵۰ منبع) باشد. آوردن مطالب از منابعی بریده بریده که لزوماً به نتیجه‌گیری و پیشنهاد محتوایی نیز منتهی نشده، ضمن پرابهام شدن تالیف به سردرگمی مخاطب منجر می‌شود. علاوه بر این تنوع ترجمه متون باعث شده که انسجام و نظم منطقی مورد انتظار در زیربخش‌های فصول کمتر حاصل شود و انبوهی از اطلاعات فاقد طبقه‌بندی ساختاری و محتوایی (و البته نه موضوعی) به خواننده منتقل شود.

۴. نقد محتوایی اثر

۱,۴ انسجام و نظم منطقی

یکی از الزامات فصل‌بندی مناسب، ضرورت توجه به پیشینه تاریخی و تکوینی ادبیات نظری موضوع مطالعه است. این رویکرد جهت تقسیم‌بندی فصول بر اساس ادبیات رایج همچون تقدم و تاخر تاریخی نظریه‌پردازی، اولویت‌بندی بر اساس حوزه‌های خرد و کلان و... و سایر تقسیم‌بندی‌های متداول ضروری است.^۱ از آنجا که کتاب حاضر از پیشینه‌ی نظریات مطرح در حوزه‌ی «اقتصاد خانوار» بی بهره است، ساختار منسجمی در زمینه تقدم و تاخر عناوین فصل‌ها در آن دیده نمی‌شود. از سوی دیگر منطق تقسیم‌بندی دیگری نیز برای طبقه‌بندی فصول هفتگانه، از جمله سیر تشکیل خانوار (ازدواج و... در آن به چشم نمی‌خورد. فقدان رویکردی بر پیشینه باعث شده که فصل هفتم اثر که به «اقتصاد ازدواج و تشکیل خانواده» اشاره دارد و می‌توانست هم به لحاظ سیر تاریخی و هم به جهت آغازی به ادبیات موضوعی «اقتصاد خانوار» به عنوان فصلی ابتدایی و مقدماتی در نظر گرفته شود، به فصل نهایی اختصاص یابد.^۲ لذا به نظر می‌رسد اختصاص فصل اول به تئوری ازدواج^۳ (A Theory of Marriage) در ورود به مباحثی چون چگونگی فضای تصمیم‌گیری درون خانواری، سازمان خانوار و سایر حوزه‌های بعدی زمینه‌ساز مناسبی به شمار می‌رود.

فصل ششم اثر با عنوان «اقتصاد میان‌سالی و کهن‌سالی» که با ترجمه فصل ۱۲ از کتاب «جمعیت و اقتصاد خانوار» ارائه شده است (اشاره شده در پاورقی صفحه ۱۸۰ کتاب)، بیش از آن که در چارچوب اثری نظری با عنوان «اقتصاد خانوار» جایگاه داشته باشد مرتبط با حوزه «اقتصاد سالمندان (The economics of ageing)» است. علاوه بر این به دلیل عدم استفاده این فصل ترجمه شده از مبانی نظری و اطلاعات روزآمد (اطلاعات تحلیل شده مربوط به سال ۱۹۹۷ است) و نیز تمرکز بر اطلاعات ویژه کشور آمریکا با خصوصیات تجربی منحصر بفرد، اطلاعات این فصل در ارزیابی شرایط اقتصاد سالمندان در سایر جوامع مبنایی موثر محسوب نمی‌شود.

در مورد انسجام و نظم منطقی مطالب در درون فصول نیز مواردی قابل ذکر است. در فصل اول کتاب با عنوان «حوزه مصرف، خانواده به مثابه واحد مصرفی»، زیرفصل دوم با عنوان «سازماندهی اقتصاد خانواده» می‌تواند فراگیرتر از عنوان فصل باشد. از این رو تغییر عنوان فصل اول به «سازمان تصمیم‌گیری در خانوار» که دربرگیرنده ابعاد مصرف و تولید و همچنین نحوه‌ی تخصیص زمان به اشتغال و فراغت در خانواده می‌باشد، پیشنهاد می‌گردد.

نقدی بر کتاب *اقتصاد خانوار* (لیلا سادات زعفرانچی) ۱۳۳

در فصل دوم با عنوان «تخصیص‌های بیناخواناری»، دو رویکرد کلی نوع دوستی و هزینه-معامله به هفت تقسیم‌بندی بسیار جزئی تقسیم شده است، به طور مثال زیرفصل ۱-۷- با عنوان «به هم پیوستگی اقتصادی» در صفحه ۹۹ تقریباً فاقد نگارشی مفهومی و محتوایی است.

در فصل سوم با عنوان «اقتصاد خانواده در افق بین زمانی و بین نسلی» پیشنهاد می‌شود تا زیرفصل دوم تحت عنوان «انتقال‌های درون خانواری»، به عنوان «انگیزه‌های ارث‌گذاری» (Bequest Motives) که واژه‌ای شناخته شده در ادبیات «اقتصاد خانواده» است تغییر یابد. زیرفصل سوم از فصل سه، تحت عنوان «صندوق بازنشستگی» با مفاهیم ماقبل و مابعد سازگار نیست و هماهنگی ارائه این بحث با مباحث فصل ششم تحت عنوان «اقتصاد میان‌سالی و کهن‌سالی» بیشتر است.

اقتصاد بخش عمومی ناظر بر مطالعه‌ی خط مشی اقتصادی دولت در برقراری رفاه اقتصادی (از طریق سیاست‌های مالیاتی، پرداخت‌های انتقالی و ...) است که در بخش چهارم کتاب در ارتباط با خانواده در نظر گرفته شده است. بحث عنوان شده در زیرفصل اول از این فصل تحت عنوان «کارایی پارتویی در اقتصاد خانواده» از مباحث جدی و مفروضات اصلی الگوی جمعی (Collective model) در اقتصاد خانوار است (et al, 2002 Chiappori)، که ارتباط روشنی با سیاست‌های دولتی و رفاهی ارائه شده در فصل چهارم را دارا نیست. در همین فصل و زیرفصل ششم، تحت عنوان «منافع اجتماعی و قیمت‌های سایه‌ای در اقتصاد خانواده» نیز ربط مفهومی این بحث با سیاست‌های بخش عمومی مشخص نیست، حال آن که این ادبیات بسیار مرتبط با نظریه مهم «تولیدات خانوار» (Household Production) است که می‌توانست به عنوان یک فصل یا سرفصل کلی در کتاب در نظر گرفته شود (Pollak & Wachter, 1975).

در فصل پنجم تحت عنوان «اقتصاد حمایت از خانواده»، در بخش قوانین حمایت از مصرف‌کننده، مباحث بصورت عمومی ذکر شده و ارتباطی با عضویت فرد در خانواده ندارد، در حالی که در بحث مروری بر قوانین کار، این دقت نظر در زمینه ارتباط این قوانین با عضویت اعضاء در خانوار در نظر گرفته شده است.

۲,۴ منابع و ارجاع‌دهی

فهرست منابع کتاب پانزده صفحه از حجم دوپست و نود صفحه‌ای را به خود اختصاص داده که به جز بیست و چهار منبع فارسی، سایر منابع لاتین است. اگرچه ازدیاد منابع لاتین، نشان از زحمت مولفین در بررسی منابع وسیعی در حوزه‌ی ادبیات پژوهشی دارد، اما تعدد و تکثر بیش از حد باعث شده تا پیش از آن که منابع و ترجمه آن به ساختارمند شدن اثر کمک نماید، این منظم کردن متون ترجمه شده بوده که به طور تقریبی شاکله اصلی کتاب را ترسیم نموده است. به عبارتی دیگر مفهوم ادبیات خانواده و نظریات وابسته در دریایی از پاراگراف‌های کوتاه ترجمه شده و ارجاع‌دهی گم شده است. منابع نهایی در بخش پایانی از شیوه‌ی ارجاع‌دهی بر اساس فرمت APA (Associations of physiological American) تبعیت می‌کند که امروزه از مرسوم‌ترین شیوه‌های مآخذنویسی در جهان محسوب می‌شود. اگرچه در ارجاع‌دهی نهایی، نظم و شیوه ذکر شده رعایت شده، اما ارجاع‌دهی درون متنی هماهنگ نیست. قواعد استناد درون متنی به روش APA به گونه‌ای است که در داخل پرانتز (نام نویسنده‌ی مقاله یا کتاب، سال انتشار: صفحه) آورده می‌شود. برخی ارجاعات درون متنی به نام نویسنده در متن به لاتین و برخی به فارسی اشاره دارد. به طور مثال در صفحه ۵۰ و ۵۱، انواع مختلفی از ارجاعات دیده می‌شود، مانند: (Becker G. S, 1995) و در خط دوم از صفحه ۵۱ ارجاع دهی: (Haddad, Lawrence; Hoddinott; John; Alderman, Harold, 1997) که در اولی به نام کوچک نویسنده به اختصار و در دومی به آوردن نام کوچک نویسندگان به تمامی اشاره شده است.

۳,۴ تحلیل و بررسی اثر

همچنان که در مقدمه مولفین، پیشگفتار و حتی در یادداشت انضمامی کتاب آمده است، هدف و مسئله تحقیق، ارائه چارچوب درستی از منظومه علم «اقتصاد خانواده» است که با تکیه بر آن بتوان الگویی دینی و بومی را پایه‌گذاری نمود. هدف تدوین کتاب توسط نویسندگان با توجه به فقر مطالعاتی موجود در این زمینه در ابعاد ملی ستودنی است، اما در این میان جهت دسترسی به این هدف مهم و برجسته، اثر به عنوان گامی اولیه از جنبه‌های ذیل نیازمند دقت نظر است:

- مهمترین نقد به فقدان تشخیص درستی از مخاطبان اصلی اثر بازمی‌گردد. روشن نیست که مخاطبین اثر، باید آشنا به مولفه‌های ادبیات اقتصادی باشند و یا مخاطبینی عام و بدون الزام به آشنایی با مولفه‌های پایه اقتصادی مد نظر بوده‌اند. در حقیقت اثر نه آنقدر ساده و روان و بدون وابستگی به بنیان‌ها و ابزارهای «اقتصادی» تألیف شده که همه‌فهم باشد و نه به میزان کافی برخوردار از زمینه‌های تخصصی و لازم تحلیل در اقتصاد است. نتیجه این که متن نه ابزار لازم ریاضیاتی مورد نیاز اقتصادی را با کاربرد معادلات مرتبط داشته و نه روانی متنی غیرتخصصی را دارا است.
- در صفحه ۵۷، انتهای صفحه به مدل سن (Sen, ۱۹۶۶) اشاره شده که نمی‌تواند به لحاظ تاریخی زیرمجموعه الگوی جمعی (Collective model) عنوان شود. دقت در مطالب ارائه شده توسط سن به درک بهتر دلایل مطرح در الگوی واحد (Unitary Model) اشاره دارد. این اشتباه برداشت در صفحه ۵۸ کتاب نیز تکرار شده است، به گونه‌ای که بحث وجود یک دیکتاتور و یا خیرخواه به جهت دسترسی به یک تابع رفاه جمعی در الگوی واحد (Unitary Model) خانوار مطرح شده و به الگوی جمعی (Collective model) مرتبط نیست. نظر به چنین برداشت‌هایی توسط مولفین اثر استنباط می‌شود که درک دقیقی از تفاوت‌های الگوی واحد (Unitary Model) و الگوی جمعی (Collective model) در ادبیات موجود مورد دقت نظر قرار نگرفته است. نکته حائز اهمیت این که مولفین پس از نقد و ارزیابی الگوی جمعی (Collective model) برای اولین بار در صفحه ۶۰ به چیاپوری (Chiappori, 1988) اشاره داشته‌اند که بنیانگذار الگوی جمعی (Collective model) در ادبیات اقتصاد خانوار محسوب می‌شود (Heckman et al, 2018).
- در فصل اول در زیرفصل ۲-۲ با عنوان «هزینه فرصت در خانواده» ناظر به ادبیات نظری شناخته شده‌ای در اقتصاد خانواده است که در ذیل این عنوان به آن پرداخته نشده است. بکر (Becker, 1965) در مبحث مهم هزینه‌ی فرصت اعضاء خانوار با ارائه الگوی تخصیص زمان (Model of allocation of time)، اولین بار مفاهیم مربوط به تولیدات خانوار را بیان نمود و نشان داد که خانوار بر اساس یک تقسیم‌بندی عقلایی به تقسیم نقش‌های بازاری و خانگی بین زوجین می‌پردازد (Heckman, 2018).
- مولفین اثر مایل به تحلیلی منطقی و تاریخی در خصوص حمایت از اشتغال مردان سرپرست خانوار در صفحه ۷۴ بوده‌اند. به طور مثال در پاراگراف انتهایی صفحه

آمده است: «به عبارتی دیگر، اشتغال بیش از حد مردان به دلیل نبود مشاغلی که غالباً توسط زنان اشغال شده است، وظایف پدرانه را معلق خواهد کرد.» اگرچه طرح علمی این بحث با توجه به گزاره‌های درست آن می‌تواند ناظر بر تفکیک مناسب نقش‌های زوجین و تأکیدی بر مسئولیت نان‌آوری مردان در خانوار باشد، اما در صفحه ۷۷ و پاراگراف سوم، ناگهان نگاهی دیگر و کاملاً متفاوت به موضوع در اثر ارائه می‌شود. در این پاراگراف به استناد پژوهشی اجتماعی (و نه اقتصادی) و براساس پایان‌نامه خانم حبیب‌الله از دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، نتیجه‌گیری می‌شود که مردسالاری در جامعه ایران هنوز عامل اصلی توزیع نابرابری نقش‌های خانوادگی و البته بازدارنده از حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی-اقتصادی است!

- در مورد مدل‌های چگونگی تقسیم کار درون خانواری میان اعضاء خانواده در صفحه ۷۶ چنین اشاره شده است: «اول آن که سهم هر کدام از همسران با توجه به میزان زمانی است که برای کار منزل اختصاص داده‌اند، هر آنچه برنامه زمانی افراد خانواده برای انجام امور درون خانواری بیشتر باشد، بیش از دیگران در آن امر کمک خواهند کرد.» حال آنکه بکر (Becker, 1965) عنوان می‌کند تخصیص زمان درون خانواری بین اعضاء خانواده منتج و متأثر از دستمزد آستانه‌ای و سطح دستمزد پیشنهادی هر یک از اعضاء در بازار کار است (Biddle & Hamermesh, 2020). لذا عبارات بالا که اشاره‌ای به داشتن برنامه زمانی بیشتر جهت پرداختن به امور منزل به عنوان اصل تقسیم کار خانگی دارد، برداشت درستی از تفسیر اقتصادی این رویکرد نیست.

- در فصل چهارم اثر، صفحه ۱۳۹ پاراگراف سوم در ذیل عنوان «اقتصاد رفاه خانواده»، مولفین به دنبال تبیین نگاه دومی در تحلیل رفاه خانوار می‌باشند که در این زمینه نگاه اول قبلاً تصریح نشده است.

۴,۴ هماهنگی با مبانی

هدف تصریح شده توسط مولفین، نگارش کتابی مدون و طبقه‌بندی شده در موضوع «اقتصاد خانوار» بوده که بتواند راهگشای دانشجویان و اساتیدی باشد که قرار است این مسیر را پیش برند (صفحه ۱۶). در مقدمه‌ی کتاب، نویسندگان با طرح این سوال که چرا باید این کتاب را خواند؟ اشاره داشته‌اند که اثر سعی دارد مفهوم و گستره موضوعات

قابل طرح در اقتصاد خانواده را مطابق با نظریه‌های اقتصادی متعارف ارائه نماید تا با پی بردن به جایگاه آن در ادبیات اقتصادی، به تکمیل درختواره موضوعات و در نهایت طراحی مدل مفهومی مطلوب در اقتصاد خانواده ایرانی یاری رساند (صفحه ۳۹). دسترسی به هدف ذکر شده مبتنی بر ترسیم درست و مطابق با فضای علمی رایج حوزه «اقتصاد خانواده» است. از این منظر ناهماهنگی و نیز عدم تسلط بر دامنه موضوعات، ادبیات و مبانی نظری حوزه مورد مطالعه، انتقال مفاهیم اصلی به خواننده را دچار مشکل ساخته است. در این زمینه نکاتی چند قابل یادآوری است:

- از آنجا که سیر تاریخی و پیشینه ادبیات «اقتصاد خانواده» به عنوان یکی از مهمترین و ضروری‌ترین فصول لازم مورد توجه مولفین محترم قرار نگرفته است، چیدمان کتاب فاصله زیادی را با سرفصل‌های رایج در ادبیات «اقتصاد خانواده» دارد.^۱ به طور مثال در انتهای صفحه ۵۲ به الگوها یا مدل‌های همکارانه (Cooperative models) اشاره شده است که اصولاً قبلاً به خواننده معرفی نشده‌اند. اگرچه در صفحه ۵۳ توضیحاتی در مورد الگوهای غیرهمکارانه (Non-cooperative models) آمده است، اما این توضیحات کفایت این دو تقسیم‌بندی مهم و کلان در ادبیات «اقتصاد خانواده» را نمی‌نماید. تقسیم‌بندی موضوعات «اقتصاد خانواده» ابتدا براساس الگوهای واحد (Unitary Model) و الگوهای غیرواحد (Non-unitary model) شکل می‌گیرد. در زیر مجموعه الگوهای غیرواحد (Non-unitary model) به الگوهای همکارانه (cooperative models) و غیرهمکارانه (Non-cooperative models) تقسیم شده و در ذیل الگوهای همکارانه (cooperative models)، یکی از محوری‌ترین الگوهای ارائه شده، الگوی جمعی (Collective model) است (Grossbard, 2010). این عدم دقت نظر نویسندگان در ساختار نظریه‌های «اقتصاد خانواده» در صفحه ۱۳۱، اولین پاراگراف و در ذیل بند ۱، با عنوان کارایی پرتویی در اقتصاد خانواده نیز مشهود است.

- فقدان معرفی هر یک از رویکردهای اصلی در زمینه ادبیات «اقتصاد خانواده»، سردرگمی در نقد و نتیجه‌گیری را سبب شده است. در اولین پاراگراف صفحه ۵۶ عنوان شده است که: «از ابتدایی‌ترین نظریات موجود در توضیح چگونگی تأثیر خانواده بر اقتصاد، نظریات مشتمل بر نگاه واحد به خانواده بود». در نقد این جمله باید اذعان نمود که اصولاً الگوی واحد (Unitary Model) با هدف تبیین چگونگی

تأثیر خانواده بر اقتصاد زاییده نشده است، بلکه به دنبال کشف چگونگی روابط درون خانواری و به عبارتی رمزگشایی از جعبه سیاه تصمیم‌گیری اعضای خانواده جهت تخصیص منابع (درآمد و زمان) متولد شده است. در الگوی واحد (Unitary Model) از روش ابزار اقتصاد نئوکلاسیک برای کشف ارتباطات استفاده شده و خانوار به عنوان یک واحد منحصربفرد، حداکثر سازی تابع رفاه جمعی (Social welfare function) را با قید محدودیت بودجه کل هدف قرار می‌دهد. در نقد الگوی واحد (Unitary Model)، معتقدان به الگوهای غیر واحد (Non-unitary model) در یک ویژگی مشترکند: در خانوار هر یک از اعضای ترجیحات مربوط به خود را دارا است و ممکن است در خصوص تصمیم‌گیری بهینه در خانوار اختلاف نظر وجود داشته باشد. در این زمینه الگوهای همکارانه (cooperative models) و غیر همکارانه (Non-cooperative models) به عنوان دو دسته بندی اصلی در بدنه الگوهای غیر واحد (Non-unitary model) با استفاده از تئوری بازیها، ترجیحات مختلف و نحوه تصمیم‌گیری زوجین در خصوص مصرف و اوقات فراغت را الگو سازی می‌کنند (Chiappori & Mazzocco, 2018:14).

- در انتهای صفحه ۵۶ اشاره‌ای به نقد الگوی واحد (Unitary Model) در اقتصاد خانوار شده است که جامع و کامل نیست. اصلی‌ترین نقد وارد بر الگوی واحد (Unitary Model) این است که چگونه ترجیحات اعضای خانوار به صورت یک تابع رفاه جمعی تجمیع می‌شود، حال آنکه اعضای خانوار دارای توابع ترجیحی متفاوت می‌باشند. اقتصاددانانی که به رویکرد واحد (Unitary Model) معتقدند برای تبیین این که چگونه ممکن است خانواده به عنوان یک مجموعه واحد عمل کند، از توضیحات متفاوتی بهره برده اند، لیکن بکر معتقد است که در مجموع دو حالت نوع دوستی (Altruism) و دیکتاتوری (Dictatorship) در خانوار منجر به پیدایش یک چارچوب واحد می‌گردد (Becker, 1974).

- از دیگر اشتباهات کلیدی در ارزیابی ادبیات نظری «اقتصاد خانواده» اشاره به ساموئلسون (Samuelson) در اواسط صفحه ۵۳ به عنوان بنیانگذار الگوی جمعی (Collective model) است. این در حالی است که ساموئلسون (Samuelson, 1956) معتقد به وجود یک تابع ترجیحی در خانوار بوده و پایه‌گذار مکتب فکری «بکری»

در ابداع الگوی واحد (Unitary Model) به شمار می‌رود (Lundberg & 1996).
(Pollak).

۵,۴ اصطلاحات تخصصی

- مفهوم «خانواده» از «خانوار» متفاوت است. «خانوار» تعدادی از افراد را شامل می‌شود که دارای بودجه مشترک بوده و این واحد می‌تواند افراد غیر خویشاوند را هم شامل شود. بر اساس تعریف مرکز آمار ایران، «خانوار» از چند نفر تشکیل می‌شود که با هم در یک اقامتگاه زندگی می‌کنند، با یکدیگر هم خرجند و معمولاً با هم غذا می‌خورند (سالنامه آماری کشور، مرکز آمار ایران). لذا هر «خانواده‌ای»، «خانوار» است، لیکن هر «خانواری» می‌تواند «خانواده» نباشد.^۶ نکته افتراقی و اساسی در تفاوت مفهومی «خانوار» و «خانواده» به لزوم وجود شرط خویشاوندی و قید ازدواج در «خانواده» باز می‌گردد، بگونه‌ای که اساسی‌ترین عنصر در تعریف «خانواده» مبتنی بر وجود گونه‌ای خویشاوندی بین اعضاء و ناظر بر قرارداد ازدواج میان زوجین است. با وجود این تفاوت مهم، در ادبیات اقتصادی رایج واژه «اقتصاد خانوار» (Household economy) و «اقتصاد خانواده» (family economy) بطور جانشین و معمولاً ناظر به مفاهیمی مشترک بکار گرفته می‌شود. در این نگاه صرف مشترک بودن اعضاء در مکان و هزینه‌های اقامت و تشریک سایر هزینه‌ها و بعضاً درآمدها از عوامل برجسته در فقدان تمایز این دو واژه است، که در این میان خویشاوندی و یا لزوم قرارداد ازدواج بطور ذاتی موضوعیت ندارد. منشاء رویکرد ذکر شده به خاستگاه فلسفی و فکری غربی حاکم بر این گرایش اقتصادی بازمی‌گردد. در فلسفه اقتصادی و مادی رایج، آنچه اصالت دارد توجه به تخصیص هزینه‌ها و درآمدها در یک واحد و با اعضاء دارای محل سکونت یکسان و هزینه‌های مشترک است. از این رو چرایی و چگونگی تجمیع شدن افراد بر اساس نظام خویشاوندی و یا وجود و ضرورت قرارداد ازدواج، که در واحد «خانواده» اصالت دارد محل بحث نبوده است. فارغ از بحث لزوم این دقت نظر از طرف علمای اقتصاد، به جهت اهمیت نهاد «خانواده» و مسائل مرتبط با آن در کشورهایی با محتوای فرهنگی و اعتقادی از جمله ج.ا.ایران دقت کاربرد کلمات و حتی تصمیم به بکارگیری هر واژه دقت نظر جدی را طلب می‌نماید. در کتاب حاضر با وجود اینکه

نام اثر به «اقتصاد خانوار» اشاره دارد، در جای جای آن و بخصوص عناوین فصول اصلی، نویسندگان محترم از واژه «اقتصاد خانواده» استفاده نموده‌اند. پیشنهاد می‌شود نظر به اهمیت استفاده صحیح و نیز بار فرهنگی و معنایی تلاش شود تا استفاده از «اقتصاد خانواده» بجای «اقتصاد خانوار» مورد کاربرد در فضای پژوهش‌های اقتصادی قرار گرفته و یا حداقل با توجه به تفاوت مفهومی مهم و موجود، واژگان به دقت انتخاب و مورد گزینش قرار گیرند.

- در فصل اول در زیرفصل ۱-۱-۲ تحت عنوان «انتخاب واحد در اقتصاد خانواده» و زیربخش ۲-۱-۲ تحت عنوان «انتخاب جمعی در اقتصاد خانواده»، باید اشاره شود که کلیدواژه‌های رایج در ادبیات اقتصاد خانوار عبارت از «الگوی واحد» (Unitary Model) و «الگوی جمعی» (Collective model) است که در ذیل آن نحوه‌ی تصمیم‌گیری (انتخاب) زوجین و اعضای خانوار جهت تخصیص درآمد و زمان مورد بحث قرار می‌گیرد.

- در پاورقی صفحه ۶۳ احتمالاً منظور از آوردن واژه‌ی «pooled»، احتمالاً «pooled income» بوده که در متن باید به درآمدهای تجمیع شده ترجمه شود.

- در فصل اول در بند ۲-۳ با عنوان «تعادل در اقتصاد خانواده» در صفحه ۷۱، مقصود از کلمه «نگاه نهایی گرایانه» در پاراگراف اول به نظر می‌رسد ترجمه‌ی کلید واژه‌ی آشنای حداکثرسازی مطلوبیت اقتصادی باشد.

۵. نتیجه‌گیری

برای چنین مکتوباتی، ذات نوظهور بودن خود به معنای وجود برخی چالش‌های علمی و بعضاً عدم دسترسی به تمامی اهداف در پژوهش است. نکات اشاره شده در نقد این اثر ضمن همدلی و همفکری با نویسندگان محترم، به منزله‌ی همیاری در ارتقاء این گام اولیه و شجاعانه و نیز دلیلی بر اهمیت موضوعی اثر است. صرف نظر از محدود بودن اشکالات ویرایشی و نگارشی و جنبه‌های شکلی اثر، که براننده‌ی یک نشر دانشگاهی است، فقدان توجه به پیشینه مطالعاتی و ادبیات نظری «اقتصاد خانواده» اساسی‌ترین محور نقد محتوایی اثر است. فقدان مهارت لازم و تسلط کامل به ادبیات نظری موضوع، خلاء طبقه‌بندی ساختارمند در فصول و زیر بخش‌ها را موجب شده است. از دیگر موارد قابل توجه،

نقدی بر کتاب *اقتصاد خانوار* (لیلا سادات زعفرانچی) ۱۳۱

عدم دقت نظر مولفین محترم در گزینش مخاطبان اصلی کتاب است. انتخاب مخاطبین اصلی بر اساس توجه به میزان آگاهی با مولفه‌های اولیه اقتصادی از مواردی است که در صورت توجه می‌توانست بر غنای علمی اثر افزوده و از سردرگمی مخاطبین غیرتخصصی در همراهی با مضامین جلوگیری نماید. از آنجا که در این مقاله یکی از اهداف بررسی این اثر، ارزیابی صلاحیت کتاب به جهت جایگاه آموزشی آن در مطالعاتی بین رشته‌ای بوده است، به نظر می‌رسد کتاب حاضر تا دسترسی به این مطلوب فاصله دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:
Grossbard, S. (2015), "Household Economics", In: James D. Wright (editor in chief), *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, Oxford: Elsevier 11:224-227.
۲. توجه به آغاز مباحث در «اقتصاد خانوار» با ورود به عرصه ازدواج و طلاق در کتب مرجعی در این زمینه همچون کتاب *(Economics of the Family)* نوشته برونینگ و دیگران (et al, 2014) Browning قابل مشاهده است.
۳. جهت توضیح بیشتر بنگرید به:
Becker, G. S. (1973), "A Theory of Marriage: Part I", *Journal of Political Economy*, 81: 813-846.
۴. انجمن اقتصاد خانوار (The Society of Economics of the Household (SEHO)) در سال ۲۰۱۷ توسط سوزانا گروسبارد (Shoshana Grossbard) در دانشگاه سان‌دیگو آمریکا تاسیس شد. اولین نشست سالانه انجمن اقتصاد خانوار (SEHO) در سال ۲۰۱۷ در کالیفرنیا (آمریکا) برگزار شد. دومین نشست در پاریس (فرانسه) و در سال ۲۰۱۸، سومین نشست در لیسبون (پرتغال) در سال ۲۰۱۹ و در نهایت چهارمین نشست که قرار به برگزاری آن در ونیز (ایتالیا) در سال ۲۰۲۰ بود، به دلیل شیوع ویروس کرونا لغو شد. در نشست سال ۲۰۱۸ این انجمن که در پاریس برگزار شد، این همایش میزبان جمعی از متفکران حوزه «اقتصاد خانوار» بود که سرحلقه‌های این حوزه توسط متخصصین امر پوشش داده شد. در این نشست چیاپوری (Chiappori) از دانشگاه کلمبیا با طرح بحث «اقتصاد خانوار: در کجا ایستاده‌ایم؟» در این زمینه ارائه بحث نمود که مولفه‌ها و سیر تکاملی این گرایش اقتصادی در آن ارائه بخوبی قابل تبیین است.
۵. بعد از انتقادهای صورت گرفته در خصوص نظریه ساموئلسون نسبت به وجود یک تابع ترجیحات واحد برای خانوار و چگونگی توجیه وجودی آن، گری بکر موارد مختلفی را در

۱۳۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیست‌ویکم، شماره چهارم، تیر ۱۴۰۰

قالب رویکرد واحد (UM) طرح می‌کند. بکر در مقاله خود در سال ۱۹۹۱، از ساموئلسون برای این مورد که چرا در مورد چگونگی طرح یک تابع رفاه جمعی توضیح نداده، انتقاد می‌کند.
۶. جهت توضیح بیشتر بنگرید به:

Wehmeier, S. (2005), Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English, London: Seventh Edition:552.

کتاب‌نامه

- ابراهیم‌زاده، سیروس (۱۳۸۷)، ترجمه ثروت ملل، تهران: پیام.
استاجی، علی و نوروزی، خلیل (۱۳۹۶)، *اقتصاد خانوار*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
عنایت، حمید (۱۳۴۹)، ترجمه سیاست ارسطو، تهران: نیل.
- Becker, G. S. (1965), "A Theory of Allocation of Time", *Economic Journal* :75: 493-515.
Becker, G. S. (1973), "A Theory of Marriage: Part I", *Journal of Political Economy*: 81: 813-846.
Becker, G. S. (1974), "A theory of social interactions", *Journal of Political Economy*: 82: 1063-1093.
Biddle, J & Hamermesh, D. (2020), "Income, wages and household production theory", *Economics Letters* : 192 (C).
Browning, m, Chiappori.p & Yoram Weiss.(2014), *Economics of the Family*, Cambridge University Press.
Cantillon R. (1730), *Essay on the Nature of Trade in General*, edited and translated by Henry Higgs, London: Frank Cass and Co. LTD.
Chiappori, P.A, (1988), "Rational Household Labor Supply", *Econometrica*: 56: 63-90.
Chiappori, P.A.& Mazzocco, M. (2018), "Static and Intertemporal Household Decisions". *Journal of Economic Literature*: 55(3): 985-1045.
Chiappori, P, Fortin, B & Guy Lacroix. (2002), "Marriage Market, Divorce Legislation, and Household Labor Supply", *Journal of Political Economy*: 110: 37-72.
Greenwood, J. (2019), *Evolving households: the imprint of technology on life*, Cambridge, MA: The MIT Press.
Grossbard, S. (2010), "Independent Individual Decision-Makers in Household Models and the New Home Economics", San Diego State University: *IZA Discussion Paper* No. 5138:6
Grossbard, S. (2015), "Household Economics", In: James D. Wright (editor-in-chief), *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, Oxford: Elsevier11:224-227.
Heckman,J, Lazear.L.P , Murphy.K,M .(2018), "Gary Becker Remembered", *Journal of Political Economy*, University of Chicago Press:126(S1): 1-6.

نقدی بر کتاب *اقتصاد خانوار* (لیلا سادات زعفرانیچی) ۱۳۳

Heckman, J. (2015), "Gary Becker: Model Economic Scientist", *American Economic Review*: 105(5):74-79.

Lundberg, S. & Pollak, R. A. (1996), "Bargaining and Distribution in Marriage", *The Journal of Economic Perspectives*: 10(4): 139-158.

Malthus T, R. (1798), *An Essay on the Principle of Population*, Edited by Donald Winch, Cambridge: Cambridge Texts in the History of Political Thought.

Pollak, R. A. & Wachter, M.L. (1975), "The Relevance of the Household Production Function and Its Implications for the Allocation of Time", *The Journal of Political Economy*: 83 : 255-278.

Samuelson P. A. (1956), "Social Indifference Curves", *The Quarterly Journal of Economics*: 70(1): 1-22.

Smith A. (1776), *The Wealth of Nations*, Edited by Edwin Cannan, New York: The Modern Library.

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی

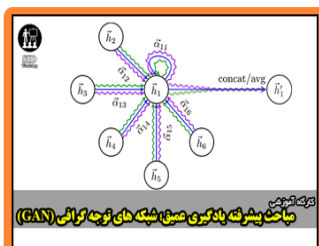


عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی